

**آفتاب یزد** – **گروه فرهنگی:** پیش از هرچیز به کلیبی ۵ دقیقه‌ای که باعث شد این گزارش را به رشته تحریر درآوریم، اشاره کرده و محتوای آن را در اینجا برای شما می‌آوریم.

«وقتی از سینمای وحشت‌های ایران حرف می‌زنیم، از این فیلم‌های ترسناک ناخواسته حرف نمی‌زنیم (صحنه‌ای از سریال تلویزیونی «سمندون» و فیلم سینمایی «سفر نادوبی» نشان داده می‌شود)، بلکه از ژانری می‌گوییم که در سینمای ایران بسیار کم جان است و شکل نگرفتنش جای بحث‌های فنی زیادی دارد، اما بیابید به سراسر سه نمونه از فیلم‌های کم و بیش موفق این ژانر در سینمای ایران برویم. این را هم بگوییم که در این ویدئو چند تا از نمونه‌ها را کنار گذاشته ایم. فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون و شبکه نمایش خانگی. فیلم‌های نابلی مثل «ملکوت» ساخته خسرو هریتاش و فیلم‌های اگران نشده‌ای مانند «پوست» ساخته برداران ارک.

#### ■ طلسم (۱۳۶۵) – کارگردان: داریوش فرهنگ

وحشت‌گذاشته، سایه قاجار: عروس و دامادی روستایی گذرشان به یک امارت قاجاری در جنگل‌های شمال می‌افتد، امارتی که حرف و حدیث‌های زیادی پشت سرش هست، قصه‌ای که می‌گوید خانم این خانه ۵ سال است که ناپدید شده و خبری از او نیست، چیزی که باعث می‌شود «طلسم» به فیلم مهمی در سینمای وحشت ایران تبدیل شود، بستر قصه‌اش است که روی درگیری‌های تاریخی و نزاع ارباب رعیتی و گذر یک نسل پادشاهی بنا شده است. تمی که بالقوه گی‌های زیادی دارد و البته اینجا ما اولین باری سست که داریم می‌بینیم اجزای یک خانه با اتاق هایش، زیرزمینش و راه‌هایش در یک قصه ایرانی قرار می‌گیرد. در تمام فیلم هم ردپایی از سینمایی بیضایی مشهود است، چه در دیالوگ نویسی و چه ارجاعات تاریخی. «طلسم» دو بازی درخشان هم دارد که عموماً نادیده گرفته شده است، یکی سوسن تسلیمی با آن گرم غریبش و بازی تقطیع شده و مالمیخولیپای زنی که سالیاست احساساش را فراموش کرده و دوم پرویز پورحسینی که شاید بهترین بازی کارنامه سینمایی‌اش را در این فیلم ارائه کرده باشد. خدمتکار مرموزی که رازهای خانه را در سینمایش پنهان کرده است.

#### \* ماهی و گربه (۱۳۹۲) کارگردان: شهرام مگرکی

شمال، سرزمین وحشت: بخشی از وحشت همیشگی فیلم‌های ترسناک ایرانی، چه کمدی ناخواسته‌های ترسناک تلویزیونی و چه ششکست‌های مطلق سینما از سنسر بچه‌های تهران به شمال نمی‌شود. اما «ماهی و گربه» شهرام مگرکی فیلم متفاوتی است، فیلم با اینکه روی همان قصه تکراری سفر تهرانی‌ها به شمال سوار است، اما فرم بایزهای شکل تکرار شونده‌اش حس و حالی متمایز به آن داده است، وجه تمایز دیگر «ماهی و گربه» در سینمای وحشت ایران این است که بر اساس یک روایت واقعی ساخته شده است، روایت صاحبان رستورانی در شمال کشور که آدم‌ها را می‌کشند و گوششتان را طبخ می‌کردند. «ماهی و گربه» تازش نسبتاً موفقی برای بازی با قواعد ژانر وحشت با فرمی خلاقانه است که نمونه مشابهی برایش سراغ نداریم.

#### ■ شب بیست و نهم (۱۳۶۷) کارگردان: حمید درخشانی

وحشت ماورا، و «شب بیست و نهم» فیلمی که با عبارت فیلم ترسناک ایرانی در ذهن خیلی از ما می‌آید. این فیلم ساخته حمید درخشانی است و چند عامل دست به دست هم داده‌اند تا این فیلم اثرگذاری کاملی روی مخاطب ایرانی داشته باشد. مهمترینش موضوع فیلم است که درباره موجودی در باور عامه به نام «آل» است، موجودی که مادران و دخترانشان را که تازه به دنیا آمده‌اند را تهدید می‌کند. فیلمی که در پیوند کامل با برخی اعتقادات رایج در جامعه است به راحتی می‌تواند ترس ایجاد کند و «شب بیست و نهم» که همین خاطر از موفق ترین‌های سینمای وحشت ایران است. از طرفی محدودیت‌های فنی باعث شده خیلی چیزهای ترسناک از چشم مخاطب پنهان بماند و به‌جز یکی دو صحنه با ترس آنی روبرو نویسیم. وحشت زیرپوستی این فیلم هنوز هم کهنه نشده و هنوز کسانی که آن را دیده‌اند بدانشان هست که بعد از دیدن این فیلم چطور هیچکس جرات نمی‌کند نرصفه شب به پشت بام نگاه کند»

حال که با سه‌ه اثر سینمایی که کارشناسان آنها را در زمره آثار موفق سینمای ایران در ژانر وحشت می‌دانند آشنا شدیم، به بررسی برخی از دلایل ترسناک شدن یک فیلم می‌پردازیم. هرچند که داستان و ماجرای که یک کارگردان آن را در سینمای وحشت روایت می‌کند و هم‌منظور شیوه کارگردانی و شناختن زاویه‌های پنهان ایجاد ترس در ساخت یک فیلم ترسناک از اهمیت بسیار فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند و اگر این دو مقوله در بستر ساخت یک فیلم ترسناک انطور که باید در جایگاه اصلی خود قرار نگیرند، فیلم ترسناک، ترسناک نمی‌شود. با این فرض که کارگردانی که قصد دارد فیلمی را در ژانر وحشت بسازد به کارش بسیار این شب‌ها سربالی با عنوان بیگانه‌ای با من است به کارگردانی مشترک احمد امینی و آرش معیریان و تهیه‌کنندگی بهروز مفید از شبکه دوسیمای بروی آنتن می‌رود. سربالی که در کنار موضوع اصلی جا به جای دو شخصیت با هم، به زندگی تک تک افراد خانواده‌ای که کلیت داستان پیرامون آنها است ورود می‌کند. ایوب آقاخانی در این سریال ایفاگر نقش «جاوید سنایی» است. داماد خانواده شهرابی و شوهر نسیم. او در کنار زندگی کاری که دارد دچار ماجراهایی پرچالش با همسر و خانواده همسرش می‌شود و کار به جایی می‌رسد که از یک شخصیت مثبت در ابتدای سریال کم کم فاصله گرفته و به نقشی به شدت منفی می‌رسد. شاید اگر کارهای آقاخانی را در تلویزیون دنبال کرده باشید او را بیشتر در نقش‌های مثبت و کمتر منفی به خاطر داشته باشید اما او در این سریال توانمندی دیگری را از خود بر جای گذاشته است و نقش جاوید را با توجه به آنچه در فیلمنامه برایش نوشته شده است به تصویر کشیده و بازی کرده است. آقاخانی در کنار بازیگری در تئاتر، سینما و تلویزیون در رادیو و تئاتر نیز کارگردانی آثاری را به عهده دارد و در این سالها تمرکز خود را روی تئاتر و رادیو گذاشته است. فارس با او دربراه می‌کند و حضور در سربالی که می‌دانم استدی کم نظیر است. گفتگوی انجام داده که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

**❗ چطور شد که بعد از مدت‌ها به سریال «بیگانه‌ای با من است» که به تلویزیون آمدید؟**
در اردیبهشت سال ۹۸ آقای امینی با من تماس گرفت و دعوت به همکاری کرد. در گذشته در سریال داوران با او همکاری کرده بودم و یکی از نقش‌های اصلی آن کار را بازی کردم بنابراین این نقش را نیز با اشتیاق پذیرفتم چون کارشان را دوست دارم و می‌دانم استادی کم نظیر است. برای همین در مورد آقای امینی درباره متن و فیلمنامه دقت نمی‌کنم در صورتیکه قبیله کارهای پیشنهادی را از همه نظر بررسی می‌کنم. فیلمنامه را که خواندم هم موفقیت جاوید در فیلمنامه هم نقش جاوید از خیلی دوست داشتم و در همان اولین روزها با آقای امینی به توافق خوبی رسیدیم.

**❗ برای تولید این سریال سختی‌هایی هم داشتید؟**

از جهت‌های مختلف کار دشواری بود از لحاظ تولیدی تاریخی بودن و اینکه قصه در دهه ۶۰ و ۷۰ می‌گذرد، کار پروژه را برایم پیچیده می‌کرد.

# سایه وحشت



وارد است و قصه‌ای هم که در دست دارد، ناب و دست اول و منحصر بفرد است اما دلایل دیگری هم وجود دارد که تاثیرگذاری مستقیم و غیرقابل انکاری در ترس ایجاد کردن در دل مخاطب دارد و می‌تواند فیلم ترسناک را از آنچه به نظر می‌رسد، وحشتناک تر کند. در ادامه به ذکر یکی دو مورد از این دلایل می‌پردازیم.

#### ■ نقش دوبله در سینمای وحشت

بٔ جز یکی (ماهی و گربه) که آن هم به این دلیل که در دهه ۹۰ ساخته شد و طبیعتاً در اَین دوران دیگر فیلم‌های ایرانی را دوبله نمی‌کردند و کارگردانان ترجیحی می‌دادند از تکنیک صدا سر صحنه استفاده کنند، دو فیلم دیگر که هر دویشان محصول دهه ۶۰ هستند و به فاصله دو سال از یکدیگر ساخته شده اند، خود دوبله نهایت استفاده را برده اند. دوبله‌ای که گاه حتی باعث می‌شود یک فیلم به دو فیلم تبدیل شود، یکی تصویر و دیگری صدا. حال تصور کنید این دو در کنار هم قرار گیرند، آن هم در محصولی که قصد ترساندن مردم را دارد. بی‌هیچ شک و تردیدی دوبله نقش بسیار مهمی در روند بهتر شدن یک فیلم سینمایی ای سریال تلویزیونی دارد. فیلم‌ها و سریال‌های خارجی به کنار، اما در اینجا چون منظور نظر ما فیلم‌های ترسناک ایرانی است باید به این موضوع اعتراف کنیم که در اکثر قسمت‌های فیلم، صدای گوینده یا دوبلور می‌تواند آنچنان ترسی در دل مخاطب ایجاد کند که تا سال‌های سال در ذهن او بماند. بیان دیالوگ توسط بازیگر در یک فیلم ترسناک یک مقوله است که باید به نحو احسن انجام شود اما تکرار همان دیالوگ توسط دوبلور در آن فیلم ترسناک، مقوله دیگری است که اگر به آن توجه شویم، می‌تواند تاثیرگذاری فیلم را دو صد چندان کند. انتخاب دوبلور متناسب با اکتوری که در فیلم ترسناک ایفای نقش می‌کند از نکات مهم دیگری است، که در زمینه دوبله فیلم‌های ترسناک بسیار حائز اهمیت است. برای مثال اگر فیلم سینمایی «طلسم» را در نظر بگیریم و به صدایی که برای بازیگران در نظر گرفته شد، دقت کنیم چنین می‌پنداریم که فیلم دوبله نشده، بلکه صدا، صدای خود بازیگران است. در حالیکه عکس این قضیه صادق است و این هنر دوبله و بیان خوب دیالوگ با ایجاد ترس واقعی در بیننده است که مخاطب را دچار اشتباه می‌کند و این ذهنیت را در او ایجاد می‌کند که مثلاً ناصر طهماسب، که روی شخصیت پرویز پورحسینی قرار گرفته از ابتدا مختص و منحصر به خود بود، چنینی است نه ناصر طهماسب. در مورد جمشید مشایخی هم این موضوع صدق می‌کند. منوچهر اسماعیلی طوری سوار بر دوبله فیلم شده و استادانه دیالوگ‌های جمشید مشایخی را بیان می‌کند که مخاطب بدون هیچ شک و تردیدی گمان می‌کند که این صدای خود مشایخی است که از حنجره‌اش بیرون می‌آید و نه منوچهر اسماعیلی. اینجااست که باید بیذخیریم که هنر دوبله دلیل روی کار آمدن صدا سر صحنه، حتی اگر در هیچ ژانری در سینمای ایران نتواند تاثیرگذاری‌اش را به رخ بیننده بکشد، اما در ژانر وحشت می‌تواند غوغا به این کند و حتی از یک فیلم معمولی در ژانر وحشت، اثری ماندگار بسازد. البته در این سبک وجود دو آیتیم بسیار ضروری و مهم است. یکی دوبلور خوب و کاربلد و دیگری فیلم خوب در ژانر وحشت که متأسفانه هرچه زمان می‌گذرد سینمای ایران از این دو آیتم دور می‌شود. چون از یکسو دوبلورهای خوب یا به سن می‌گذراند و دیگری نمی‌توانند مانند گذشته در کار دوبله حضور داشته باشند و از سوی دیگر سینمای ایران عملاً تلگاز دیگر تمایلی به ساخت فیلم‌های دلپروا و وحشتناک ندارد که خوب به نظر می‌رسد این موضوع نوعی نقص برای هنر هفتم سرزمین ما به حساب آید.

#### ■ موسیقی

نقش موسیقی در یک اثر تصویری ترسناک، انکار ناپذیر است، به حدی که می‌تواند به کیفیت اثر ضعیف کمک بسیاری کند تا آن اثر خود را در حد و اندازه معقول و پذیرفته شده بالا بکشد. البته پرواضح است که موسیقی بر اساس یک فیلم ساخته می‌شود و اگر یک فیلم سینمایی (خاصه در ژانر وحشت) از قصه،

بررسی یکی از مهمترین ژانرهای سینمایی که در ایران چندان به آن پرداخته نمی‌شود

روایت، بازیگری و کارگردانی خوبی برخوردار نباشد، آهنگساز هرچقدر هم که در کارش استاد باشد، نمی‌تواند اثری شنیداری را روی آن فیلم بگذارد که نقص‌های آن فیلم را بپوشاند. اما هنگامی که از نقش یک موسیقی خوب برای یک فیلم سینمایی در ژانر وحشت سخن می‌گوییم منظورمان رعایت‌المان‌ها و فاکتورهایی است که در اختیار آهنگساز متبحر قرار دارد و به او این امکان را می‌دهد که یک شاهکار برای آن فیلم سینمایی خلق کند. بدیهی است عکس این موضوع هم مصداق دارد، به این مفهوم که اگر تمام فاکتورهایی که برای خوب بودن یک فیلم سینمایی موثر هستند، نقش خود را در داخل فیلم به خوبی ایفا کنند اما فیلم از موسیقی خوبی برخوردار نباشد، نمی‌توان انتظار داشت که محصول تولیدشده در ژانر وحشت با موفقیت چندان‌ی روبرو شود. به هر روی آنچه مسلم است اینکه این دو مقوله در کنار یکدیگر می‌توانند در بهبود کیفیت اثر سینمایی در ژانر وحشت موثر باشند و به قول معروف اگر یکی شان در سطحی پایین‌تری قرار داشته باشد اثرش در کلیت ماجرا توسط بیننده دیده خواهد شد و خب چنین مسئله‌ای شرایط فراموش شدن آن فیلم را در بلندمدت فراهم خواهد نمود.

#### ■ سفر، المانی‌کلیشه‌ای در سینمای وحشت

همانطور که در بخش معرفی فیلم سینمایی «ماهی و گربه» بیان شد، سفر و مسافرت یکی از سوز‌های تکراری و پراستفاده‌ای است که در ساخت فیلم‌های ژانر وحشت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. این موضوع البته فقط مختص به سینمای ایران نیست و در سینمای کشورهای دیگر نیز از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. اکثر فیلم‌هایی که در سینمای هالیوود و حتی در کشورهای دیگر در ژانر ترس و وحشت ساخته شده اند، بالاخره موضوع سفر را چاشنی کار خود کرده اند. به این مفهوم که عده‌ای جوان برای گذراندن تعطیلات آخر هفته تصمیم می‌گیرند هر منطقه‌ای دور از محل سکونت خود که در اکثر موارد کلبه‌ای قدیمی و متروکه است بروند و باز هم در اکثر موارد کلبه متروکه که مورد نظر دارای ویژگی خاصی مانند اینکه فرد یا افرادی در گذشته در آن سکونت داشته و احتمالاً به‌طرزوحشتناکی به‌قتل رسیده‌اند، است. یکی دیگر از ویژگی‌های اینگونه‌فیلم‌ها، وجود فرد خاصی است که هیچکس از گذشته او چیزی نمی‌داند، قیافه‌اش را ندیده و نمی‌داند او کیست، گاه حتی اتفاق می‌افتد تا پایان فیلم جنسیت فرد مورد نظر هم مشخص نمی‌شود. اکثر اینگونه فیلم‌ها یک اتفاق را روایت می‌کنند، اینکه جوانان مورد نظر که برای تعطیلات به مسافرت کوتاه یکی دو روزه رفته اند، در طول فیلم هر کدام به هر شکلی غریب و غریب و البته وحشتناک یا به قتل رسیده و یا نابدید می‌شوند، در این مرحله کارگردان فقط قلیع را سوزه فیلم ترسناک خود نکرده و پس از کشته شدن، هنوز کارش با اجازه تمام نشده است. او توسط بدمن فیلم بالای دیگری بر سر تک تک جنازه‌ها می‌آورد تا بر هولناک بودن فیلم بیفزاید. در انتهای فیلم اما بالاخره یکی از شخصیت‌ها بی به هویت واقعی قاتل یا بدمن فیلم می‌رسد و سعی در از بین بردن او می‌کند که در اکثر موارد موفق به این کار هم می‌شود اما خودش نیز جانش را از دست می‌دهد.

#### ■ ژانر ناموفق وحشت در سینمای ایران

علیرغم اینکه فیلم‌هایی مانند «خواجگاه دختران»، «پارک وی»، «بستیجه سی بار در نمی‌زند»، «آل»، «آن شب»، «کینه»، «حریم» و… در طول سالهای منمادی در ژانر وحشت سینمای ایران ساخته شده‌اند اما به اذعان اکثریت کارشناسان حوزه رسانه‌های تصویری این ژانر بیجز در مواردی محدود (فیلم‌های ساموئل خاچیکیان و تجربه موفق حمید درخشانی در فیلم «شب بیست و نهم») نتوانسته انطور که شاید در سینمای ایران خوش بدرخشد و آثار ماندگاری را تولید کند، فیلم‌های خاجیکان و فیلم حمید درخشانی هم در سالهای خیلی دور ساخته شده‌اند و این یعنی مدتهای مدیدی ست که سینمای ایران در ژانر ترس و وحشت حرف چندان‌ی برای گفتن نداشته است. این موضوع گاه حتی آنقدر پرنرنگ بوده که برخی کارشناسان حتی اعلام کرده‌اند که باید در ژانر وحشت در سینمای ایران را برای همیشه بست. اما به راستی با توجه به اینکه در طول این سالها برخی کارگردانان ساخت آثار ترسناک را در مدیوم‌های مانند تلویزیون هم تجربه کرده‌اند چرا ژانر وحشت در سینما و حتی تلویزیون ایران انطور که باید و شاید نتوانسته پیشرفت کند و از یک جایی به بعد یا فقط تکرار مکررات بوده و یا سوزه‌ها، سوزه‌های بکری نبوده اند. چند سال پیش توسط یکی از روزنامه‌ها گزارشی در این زمینه منتشر شد که به واکاوی این موضوع پرداخته بود.

#### ■ ترس تهیه‌کنندگان از شکست در گیشه

در گزارش ذکر شده از قول باران رحیمی منتقد سینما درباره عدم موفقیت ژانر وحشت در سینمای ایران عنوان شده بود: «عوامل مختلفی باعث عدم موفقیت در این ژانر شده است. مهمترین عامل ترس تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران از عدم فروش فیلم است. با توجه به سابقه نه‌چندان درخشان ساخت چنین فیلم‌هایی

آنجسه مهم و حیاتی به نظر می‌رسد اینکه بسا توجه به پیشرفت‌های بسیار خوبی که سینمای ایران در ژانرهای مختلف تاکنون کسب کرده، حیف است که کشور ما با توجه به سابقه نسبتاً خوبی که در گذشته‌های دور در ساخت آثار تصویری در ژانر وحشت داشته، در این حوزه با کم کاری و دوری کردن کارگردانان از این ژانر فعال نباشد، پرواضح است که هنگامی که سینمایی در ژانرهای اجتماعی و مستند حرفه‌ای زیادی برای گفتن دارد و توانسته با ساخت آثار جالب توجه جایگاه خوبی در سطح بین‌المللی برای خود کسب کند، در این ژانر حرفی برای گفتن نداشته باشد. در حالی که این بخش از پتانسیل بسیار خوبی برای تربیت و آموزش سینماگران جوان برخوردار است که اگر به شکلی اصولی و پایه‌ای مورد توجه قرار گیرند، نه تنها سینمای ایران بلکه سینمای جهان در آینده‌ای نزدیک شاهد بروز و ظهور فیلم‌های بی‌نظیری در ژانر وحشت خواهد بود که سینماگران ایران آن را تولید کرده اند

گویا ادامه حیات گیشه بیشتر به ژانر کمدی وابسته است تا آزمون و خطا در ژانر وحشت. البته عدم آگاهی فیلمسازان نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. بسیاری از اهالی سینما تصور غلطی از این ژانر دارند. آنها گمان می‌کنند برای ترساندن مخاطب باید از تکنیک‌های خاص تصویری و گرم‌های سنگین استفاده کرد که هزینه‌های هنگفتی در پی خواهند داشت، در صورتی که یکی از مهمترین و موفق‌ترین عوامل در مطرح شدن این ژانر، ایجاد دلپرو و تعلیق با استفاده از فیلمنامه قوی است.»

#### ■ نبودن خلاقیت در فیلمنامه

رحیمی در ادامه سخنانش افزوده بود: «شاید عجیب باشد، ولی روزگاری هم چالش بزرگ فیلمسازان ایرانی نداشتند مخاطب سنگتگر و عبوس ایرانی بود و تنها عاملی که باعث موفقیت و فروش این ژانر شد توجه به جزئیات فرهنگی جامعه و عدم تقلید از موارد مشابه غربی بود. در حال حاضر آنقدر ژانر کمدی در گیشه موفق است که باعث آشتی مردم با سینما شده و فروش فیلم‌ها را به رقم‌های میلیاردی رسانده است. حالا این سؤال پیش می‌آید که فیلم‌های ایرانی چطور توانسته‌اند در ژانر کمدی موفق باشند و از نمونه‌های مشابه غربی پیشی بگیرند؟ پاسخ این سوال در محدودیت‌ها و خط قرمزهاست. در سینمای جهان درصد بالایی از شوخی‌ها چه در دیالوگ‌ها و چه در حوادث، جنسیتی یا سیاسی است. از آنجایی که در ایران خط قرمزهای عرفی و قانونی اجازه استفاده از این المان‌ها را به فیلم‌نامه‌نویسان نمی‌دهد، با نگاهی موشکافانه به المان‌های فرهنگی کشور خودمان موفق به خلق موقعیت‌های کمیک شده‌اند.»

#### ■ کپی از نسخه‌های هالیوودی

این کارشناس ارشد سینما در بخش دیگری از سخنانش تاکید کرده بود: «ولی این خلاقیت در ژانر وحشت دیده نمی‌شود، چون فیلمسازان ما به دنبال ساخت کپی‌های ناموفقی از نسخه‌های هالیوودی هستند. نتیجه کار اثری باسما‌ی است که از تباطی با مخاطب برقرار نمی‌کند، چون می‌شود اصل آن را با کیفیت بهتر دیدا در برخی ژانرها که اصول استاندارد مشخصی برای ساخت دارند استفاده از چارچوب‌های تجربه شده می‌تواند باعث موفقیت شود. برای نمونه باز کاراگاهی و پلیسی المان‌های مشخصی دارد که با رعایت آنها می‌توان نسخه‌های با کیفیتی ساخت. در فیلم‌های پلیسی و کاراگاهی ایرانی به وضوح این پیشرفت دیده می‌شود.»

#### ■ عدم توجه به پتانسیل داستان‌گویی ایرانی

این فیلمنامه‌نویس در پایان سخنانش خاطر‌نشان کرده بود: «بسیار باعث تأسف است که ما بر داستان‌ها و روایت‌های بومی کشور خودمان تکیه نمی‌کنیم. قصه‌های کهن و حتی معاصر نواحی مختلف ایران سرشار از سوز‌های بکر برای کار شدن در این ژانر هستند. به عنوان مثال زاپنه‌ها بر المانه‌ای فرهنگی خودشان اعتماد کردند و در این ژانر آنقدر درخشیدند که هالیوود شروع کرد به بازسازی نسخه‌هایی از فیلم‌های آنها در ژانر وحشت، فیلم‌هایی مانند «کینه» و «فلقه» که از موفق ترین و پر فروش ترین فیلم‌های ژانر وحشت در دهه‌های اخیر شدند.» به هر روی آنچه مهم و حیاتی به نظر می‌رسد اینکه با توجه به پیشرفت‌های بسیار خوبی که سینمای ایران در ژانرهای مختلف تاکنون کسب کرده حیف است که کشور ما با توجه به سابقه نسبتاً خوبی که در گذشته‌های دور در ساخت آثار تصویری در ژانر وحشت داشته، در این حوزه با کم کاری و دوری کردن کارگردانان از این ژانر فعال نباشد، پرواضح است که هنگامی که سینمای در ژانرهای اجتماعی و مستند حرفه‌ای زیادی برای گفتن دارد و توانسته با ساخت آثار جالب توجه جایگاه خوبی در سطح بین‌المللی برای خود کسب کند، در این ژانر حرفی برای گفتن نداشته باشد. در حالیکه این بخش از سینما پتانسیل خوبی برای تربیت و آموزش سینماگران جوان برخوردار است که اگر به شکلی اصولی و پایه‌ای مورد توجه قرار گیرند، نه تنها سینمای ایران بلکه سینمای جهان در آینده‌ای نزدیک شاهد بروز و ظهور فیلم‌های بی‌نظیری در ژانر وحشت خواهد بود که سینماگران ایران آن را تولید کرده اند.

#### ایوب آقاخانی:

## نقش‌های منفی جذاب‌تر هستند



و استقبال خوبی هم از آن شد. وقتی خودم این دغدغه را دارم بدیهی است که دوست دارم طیف وسیع‌تری از مخاطبان که هموطنان عزیز من هستند با این دغدغه درونی من آشنا شوند. وقتی سربالی با این مضمون به من پیشنهاد می‌شوند قطعاً دوست دارم و انگیزه‌ام بیشتر است تا کاری با این دغدغه انجام دهم. واقعیت این است که خیلی از پروژه‌های تصویری را قبول نمی‌کنم چون که فیلمنامه اغنا‌کننده‌ای ندارند.

#### ❗ با این تفسیر یعنی دغدغه امرار معاش ندارید؟

شاید خیلی از دوستان مثل من وسواس ندارند و وضعیت اقتصادی خوبی نسبت به من دارند. اما مخ من اینطور نیستم و به نسیت وضعیت اقتصادی‌ام هم می‌یالم چون محصول ملاحظات من است و امیدوارم روزی آنقدر فیلم‌ما‌ها خوب باشند که من ندانم کدام را انتخاب کنم. از سویی به این دلیل که در دانشگاه فیلمنامه نویسی تدریس می‌کنم، برایم مهم است چه فیلمنامه‌هایی را انتخاب می‌کنم.

#### ❗ فکر می‌کنید داستان جا به جای دو آدم چقدر برای مخاطب جذابیت خواهد داشت؟

این الگوی روایی این سریال تکراری است و هم در سینما

#### ● برابم مهم است چه فیلمنامه‌هایی را انتخاب می‌کنم

- بازی در نقش مثبت واقعا کاری ندارد**
- نمایش‌های رادیویی هنوز مخاطب خودش را دارد**

آن جنس از سینما از خود او برآمده باشد اما تجربه فصل دو بیگانه‌ای با من است به من ثابت کرد که این سوء تقلیر است که سینمای معیریان این کیفیت مورد نظر من را پیدا کرده است. سرعت بالا و کیفیت خوب کارگردانی شان را واقعا قبول دارم. من که در این سریال بسیار از همکاری با او لذت برده و اموختم و امیدوارم این دوستی و همکاری ادامه هم پیدا کند.

#### ❗ شما در بخش نمایش‌های رادیویی هم فعالیت دارید. این روزها کار رادیوین انجام می‌دهید یا به خاطر کرونا کمتر به رادیو می‌روید؟

کمتر می‌روم اما در این مدت هیچوقت ارتباطم با رادیو قطع نشده است. اصلاً حدود ۶ سال پیش پایه‌گذار جریانی در رادیو شدم به نام کتاب شنیداری در رادیو نمایش و بعد از مدتی برنامه‌ای با نام «زورق خیال» به صورت روز پخش در رادیو نمایش راه‌اندازی کردیم. به این صورت که هر روز یک ربع داستان‌های مختلف ایرانی و معاصر جهان را برای مخاطبان می‌خوانم. بنابراین در تمام این ایام پیش این برنامه متوقف نشده است و حتی در این یکساله شیوع کرونا، با رعایت پروتکل‌های بهداشتی این برنامه را به آنتن رساندیم و مهم‌ترین دستاورد این برنامه آشتی دادن بسیاری از مخاطبان با داستان خوانی است و این از بازخوردهایی است که از مخاطبان گرفتم و ماخی یکی بار هم نامیانی به عنوان کارگردان تولید کردم و شده است. الان هم مشغول پیش تولید سریال نمایشی به نام «چشم روشن ماه» برای رادیو هستم که براساس داستان‌های کهن ایرانی طراحی شده است.

#### ❗ فکر می‌کنید نمایش‌های رادیویی هنوز هم برای مخاطب جذابیت دارد و مخاطب خود را دارد؟

نمایش‌های رادیویی هنوز مخاطب خودش را دارد. برای مخاطبان تخصصی خودش که خیلی جذاب است اما اینکه به تعداد مخاطبانش افزوده می‌شود یا نه محصول عملکرد ما، مدیریت فرهنگی و همه مواردی است که می‌تواند در جذب مخاطبان یا فراری دادن شان سهمیم باشند.